

طراحی مدل بومی جهت کشف رفتار غیراخلاقی مدیران در گزارشگری مالی

نوع مقاله: پژوهشی

ایمان خاکساری^۱
محمدرضا شورورزی^۲
علیرضا مهرآذین^۳
ابوالقاسم مسیح آبادی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

چکیده

افراد در زندگی خود با معضلات اخلاقی روبرو می شوند. مدیران، حسابداران و حسابرسان نیز در حرفه خود با موقعیت‌های متعددی روبرو می شوند، موقعیت‌هایی که وسوسه می شوند تا عمل غیراخلاقی انجام دهند. یکی از این رفتارهای غیراخلاقی، تقلب و دستکاری سود است که منجر به شکست اخلاقی در شرکت‌ها می شود. با توجه به احتمال تقلب در صورت‌های مالی و آثار زیان بار آن بر اقتصاد، پیشگیری و کشف تقلب مالی، برای جلوگیری از پیامدهای مخرب آن، اهمیت زیادی دارد. بنابراین معرفی یک ابزار تشخیص زودهنگام، برای هشدار دادن به دستگاه‌های اجرایی برای انجام تحقیقات بیشتر یا اقدامات قانونی، ضروری است. توسعه مدلی که بتوان از طریق آن به پیش‌بینی دستکاری سود و کشف رفتار غیراخلاقی مدیران پرداخت، امکان ارزیابی بهتری از عملکرد شرکت را فراهم می آورد. هدف این پژوهش، بررسی توانایی مدل بنیشت و اسپاتیس در جهت کشف گزارشگری مالی متقلبانه است. سپس ضرایب این دو مدل، با استفاده از رگرسیون لجستیک

^۱ گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

khasari.iman61@gmail.com

^۲ گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول)

mohammadreza.shoorvarzi@yahoo.com

^۳ گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

mehrazeen@gmail.com

^۴ گروه حسابداری، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

massihabadi@gmail.com

تعدیل شده و توانایی این دو مدل تعدیل شده جدید نیز برای کشف گزارشگری مالی متقلبانة بررسی شد. در این راستا، داده‌های ۹۹ شرکت تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (۱۰۸۹ مشاهده) طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۶ بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد مدل اولیه بنیش و اسپاتیس، در کشف گزارشگری مالی متقلبانة قدرت خوبی ندارد، اما مدل تعدیل شده بنیش و مدل تعدیل شده اسپاتیس با دقت به ترتیب ۷۷٪ و ۸۲٪ قادر به کشف گزارشگری مالی متقلبانة هستند.

کلمات کلیدی: تقلب، گزارشگری مالی متقلبانة، رفتار غیراخلاقی مدیران، مدل بنیش، مدل اسپاتیس.

طبقه‌بندی JEL: M41، M42، M48

مقدمه

در بیشتر مواقع، سود به‌عنوان بالاترین معیار جهت ارزیابی عملکرد شرکت در نظر گرفته می‌شود. سود سیگنالی است که در تخصیص منابع به بازار سرمایه کمک می‌کند (والاسکووا و فدورکو^۱، ۲۰۲۱). به‌دلیل رقابت روزافزون مؤسسات، دستیابی به سود محدودشده و میل به تقلب و دستکاری گزارشات مالی افزایش یافته است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷). برای مثال، می‌توان به تخلفات مالی و رسوایی‌های مالی شرکت‌هایی مانند انرون، توشیبا، المپیوس و ... اشاره کرد. طبق گزارش انجمن بازرسان رسمی تقلب، در سال ۲۰۲۰، زیان ناشی از تقلب در صورت‌های مالی معادل ۳٫۶ بیلیون دلار بود (حمال و سنوار^۲، ۲۰۲۱). تقلب در صورت‌های مالی می‌تواند بر ارزش بازار واحد تجاری و اعتبار و توانایی آن در دستیابی به اهداف استراتژیک تا حدی که ماهیت شرکت به خطر بیفتد، تأثیر منفی بگذارد (راد و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین تقلب مانع توسعه پایدار شرکت می‌شود (البانانی^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). سوءاستفاده در اجرای شیوه‌های حسابداری موجب تشدید نگرانی مسائل اخلاقی در مباحث حسابداری شده است. انجام اعمال حرفه‌ای غیراخلاقی، شامل ارایه اطلاعات مالی با کیفیت نامطلوب و گمراه‌کننده، می‌تواند اعتماد عموم را به حسابداران از بین برده و اعتبار حرفه حسابداری و حسابرسی را مخدوش کند (حاجی محمدلو و زهره حاجیها، ۱۳۹۹). جعل، دستکاری و تقلب در گزارش‌های مالی به‌عنوان مصداق رفتار غیراخلاقی سازمانی محسوب می‌شود (بهمنش و همکاران، ۱۳۹۹). فعالیت‌های متقلبانه، بیانگر ضعف ارزش‌های اخلاقی حاکم در فضای کار و آموزش می‌باشد (مباشر و صالحی، ۱۳۹۹). طی پژوهش حاضر، از تقلب در گزارشگری مالی به‌عنوان مصداق خاص رفتار غیراخلاقی بهره گرفته شده است. تصویب قوانین بین‌المللی مانند قانون ساربنز اکسلی^۴ در جهت رعایت مسائل اخلاقی و جلوگیری از فعالیت‌های مالی متقلبانه شرکت‌ها است (بلقاسم^۵ و حسینی، ۲۰۲۰). حسابداران با موقعیت‌های مختلفی روبرو می‌شوند که به قضاوت‌های اخلاقی با اهمیتی نیازمند است. از طرفی حسابداران با فرصت‌های کاری زیادی نیز روبرو می‌شوند که اگر در این فرصت‌ها از رفتار غیراخلاقی استفاده کنند منافع شخصی زیادی کسب خواهند نمود. هر رفتار غیراخلاقی در حسابداری سبب زیان در نظام اقتصادی می‌شود که لازم است برنامه‌ریزی مناسبی برای راهنمایی حسابداران در هنگام قضاوت اخلاقی صورت گیرد و مدلی جهت پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبانه نیز ارایه گردد (ابدالی لرکی، ۹۵).

¹ Valaskova & Fedorko

² Hamal & Senvar

³ El-Bannany

⁴ Sarbanes-Oxley (SOX)

⁵ Belgasem

با توسعه تکنولوژی، استفاده از مدل‌های ساده پیش‌بینی تقلب مالی برای همه گروه‌ها امکان‌پذیر شده است (بدرد و گراهام^۱، ۲۰۱۱). در دسترس بودن ابزارهای ساده و قوی پیش‌بینی ناتوانی و تقلب مالی شرکت‌ها می‌تواند به مالکان برای پیشگیری وقوع تقلبات مالی و اقدامات لازم برای بهبود وضعیت شرکت، کمک کند (انسه^۲ و همکاران، ۲۰۰۲). از طرفی وجود چنین ابزاری می‌تواند محرک خوبی در انتخاب بهینه پرتفوی سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران باشد. اعتباردهندگان نیز بهتر می‌توانند از وضعیت گذشته، حال و آینده این‌گونه شرکت‌ها مطلع شوند (چینگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). مدل‌های پیش‌بینی تقلب مالی ابزاری مهم جهت تحقق این هدف، به شمار می‌روند. پژوهشگران تلاش‌های زیادی برای طراحی مدل‌های پیش‌بینی تقلب مالی که دقت بالایی داشته باشد، انجام داده‌اند. حضور تقلب به‌عنوان عاملی بحران‌زا در عرصه مالی و اقتصادی، تهدیدی جدی برای اعتماد عمومی به اطلاعات مالی و فرآیند گزارشگری مالی محسوب می‌شود و هزینه‌ها و پی‌آمدهای سنگینی برای اقتصاد و گروه‌های مختلف به دنبال دارد. استانداردهای حسابداری ایران شماره ۲۴۰ و ۴۵۰، تکالیفی را برای حسابرسان مستقل پیرامون "مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه در حسابرسی صورت‌های مالی" و "ارزیابی تحریف‌های شناسایی شده در حسابرسی" مقرر داشته است تا تقلبات احتمالی قبل از انتشار گزارش‌های مالی حسابرسی شده، توسط حسابرسان افشا، کشف و گزارش گردد (شعری آناقیز و خراسانی، ۱۳۹۶).

کشف تقلب مالی برای جلوگیری از پیامدهای مخرب آن اهمیت زیادی دارد. بنابراین معرفی یک ابزار تشخیص زودهنگام، برای هشدار دادن به دستگاه‌های اجرایی برای انجام تحقیقات بیشتر یا اقدامات قانونی مورد نیاز، اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق را نشان می‌دهد. در حال حاضر مدلی مناسب در ایران برای کشف تقلبات بالقوه در صورت‌های مالی و فراتر از روش‌های حسابداری معمول، وجود نداشته و این پژوهش به دنبال طراحی مدلی ایرانی و بومی، برای کشف و پیش‌بینی تقلبات احتمالی بالقوه در صورت‌های مالی است. این مقاله از سه بخش تشکیل شده است. در بخش اول، مفهوم تقلب و انواع آن و پیشینه تحقیق بررسی شد. در بخش دوم، مدل تحقیق تشریح شده است و در بخش سوم، تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج تحقیق بیان گردیده است.

¹ Bedard & Graham

² Anshah

³ Ching

مبانی نظری پژوهش

تعریف تقلب و انواع تقلب

تقلب اصطلاحی عام و در برگیرنده‌ی همه‌ی توانایی‌های متعددی است که یک فرد قادر است با مهارت به‌کار گیرد تا مزایایی را با ارائه‌ی نادرست اطلاعات به دیگران به‌دست آورد. به‌عبارتی، تقلب اصطلاحی است که برای توصیف فرایند فریب دادن و نیرنگ برای به‌دست آوردن نوعی منفعت از شخص یا اشخاص دیگر که معمولاً نفع مالی است، به‌کار برده می‌شود. تقلب با اشتباه غیر عمدی بسیار تفاوت دارد. برای این که تقلب رخ دهد، شخص متقلب باید عمداً و از روی قصد برای به‌دست آوردن منفعت، دیگران را اغفال کند (حجازی و همکاران، ۱۳۹۹).

تقلب ممکن است در برگیرنده موارد زیر باشد:

- دستکاری، جعل یا تغییر اسناد و مدارک حسابداری یا سایر مدارک به‌منظور به‌دست‌آوردن مزایای مالی غیرحقوقی و غیرقانونی، سوءاستفاده از دارایی‌ها یا سرقت آنها،
- ارائه نادرست آثار مالی معاملات یا حذف آنها از اسناد و مدارک،
- ثبت معاملات بدون مدارک مثبت (معاملات صوری)
- به‌کارگیری نادرست رویه‌های حسابداری (حاتم‌زاده، ۱۳۹۷).

تا به امروز الگوهای متنوعی برای پیش‌بینی درماندگی و تقلبات مالی شرکت‌ها توسط محققان ارائه شده است، که با استفاده از نسبت‌های مالی گوناگون، وضعیت گذشته، جاری و آتی شرکت را مورد پیش‌بینی قرار داده‌اند و هرکدام نیز به نتایجی دست یافته‌اند.

پیشینه پژوهش

اوهدوآ^۱ و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و تقلب صورت‌های مالی پرداختند. پژوهشگران برای تفکیک شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب از مدل بنیش^۲ استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که مالکیت نهادی، مالکیت خانوادگی، استقلال هیأت مدیره و تخصص کمیته حسابرسی بر احتمال تقلب در صورت‌های مالی تأثیر چندانی ندارد.

کوکا^۳ و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی در کشور رومانی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که شاخص حاشیه سود ناخالص بیشترین تأثیر را بر مدل بنیش داشته و پس از آن متغیر شاخص هزینه‌های

¹ Ohidoa

² Beneish

³ Coca

عمومی و اداری قرار دارد. همچنین برای کشف فرار مالیاتی می‌توان از مدل بنیث استفاده کرد ولی علاوه بر متغیرهای مالی باید به متغیرهای غیرمالی نیز توجه کرد. یکی از این متغیرها، تغییرات زیاد کارکنان است.

عقیله^۱ و همکاران (۲۰۲۱) توانایی مدل بنیث را در کشف احتمال دستکاری سود در کشور مالزی بررسی کردند. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که مدل بنیث یک ابزار تشخیص زودهنگام برای هشدار دادن به دستگاه‌های اجرایی برای انجام تحقیقات بیشتر یا اقدامات قانونی مورد نیاز است و سه شاخص رشد فروش، شاخص مجموع اقلام تعهدی به مجموع دارایی‌ها و شاخص روزهای فروش در مطالبات در شرکت‌های دستکاری کننده و غیردستکاری کننده سود تفاوت قابل توجهی دارند.

کوکی^۲ (۲۰۲۱) پژوهشی با هدف بررسی اثر ترکیب هیأت مدیره بر تقلب صورت‌های مالی در کشور نیجریه انجام داد. کوکی برای شناسایی شرکت‌های متقلب از مدل بنیث استفاده کرد و به این نتیجه رسید که ترکیب هیأت مدیره مانند اندازه، تعداد جلسات برگزار شده، استقلال و جنسیت هیأت مدیره احتمال تقلب در صورت‌های مالی را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. لهنچوک^۳ و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با هدف کشف تقلب صورت‌های مالی در شرکت‌های اکراینی با استفاده از مدل بنیث انجام دادند. آنها همچنین توانایی مدل رکساس^۴ در کشف تقلب صورت‌های مالی را مورد ارزیابی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که هر دو مدل توانایی کشف تقلب صورت‌های مالی در شرکت‌های اکراینی را دارد.

سوابوا^۵ و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با هدف تشخیص دستکاری سود و گزارش مالی متقلبانه در کشور اسلواکی انجام دادند. در این پژوهش توانایی مدل بنیث برای کشف گزارشگری مالی متقلبانه بررسی شد. همچنین محققین مدلی شامل شانزده متغیر که دربرگیرنده متغیرهای مدل بنیث نیز بود، تدوین کردند و به این نتیجه رسیدند که هر دو مدل توانایی شناسایی شرکت‌های متقلب را دارد ولی توانایی مدل جدید در شناسایی شرکت‌های متقلب بالاتر از مدل اولیه بنیث است. دلیل این تفاوت احتمالا به این دلیل است که روش‌های گزارش شاخص‌های مالی ممکن است در کشورهای مختلف تفاوت‌های قابل توجهی داشته باشد.

¹ Aqilah

² Kweki

³ Lehenchuk

⁴ Roxas

⁵ Svabova

هللیل بگوویچ^۱ و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با هدف کشف گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های کوچک و متوسط در کشور بوسنی انجام دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که مدل بنیشتوانایی کشف گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های کوچک و متوسط را دارد. در دوره بحران مالی تعداد شرکت‌های متقلب افزایش یافته است و در سال ۲۰۱۱ تعداد شرکت‌های متقلب کاهش یافته است، احتمالاً به دلیل اجرای قوانین جدید حسابداری که تغییرات متعددی در الزامات افشاء به همراه داشته است.

تریانی^۲ (۲۰۱۹) پژوهشی با هدف بررسی توانایی مدل بنیشتوانایی در کشف گزارشگری مالی متقلبانه در کشور اندونزی انجام داد و به این نتیجه رسید که سه متغیر شاخص هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، شاخص هزینه استهلاک و شاخص کیفیت دارایی توسط شرکت‌های متقلب دستکاری می‌شوند اما به‌طور کلی، مدل بنیشتوانایی تفکیک شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب را ندارد.

کونیک^۳ و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی با هدف کشف احتمال دستکاری سود در باشگاه‌های ورزشی سوپرلیگ جمهوری صربستان انجام دادند. پژوهشگران مدل بنیشتوانایی را مورد آزمون قرار داده و به این نتیجه رسیدند که این مدل توانایی کشف دستکاری سود را داشته و باشگاه‌های ورزشی سوپرلیگ اقدام به دستکاری سود می‌کنند.

حریری^۴ و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی با هدف پیش‌بینی تقلب در صورت‌های مالی دو شرکت با استفاده از مدل بنیشتوانایی انجام دادند. پژوهشگران نام این دو شرکت متقلب را در پژوهش خود افشاء نکردند و به این نتیجه رسیدند که طی دوره پژوهش، طبق مدل بنیشتوانایی نیز این دو شرکت جزء شرکت‌های دستکاری کننده سود، طبقه‌بندی می‌شوند.

رامیرز^۵ و همکاران (۲۰۱۷) گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های خانوادگی را از طریق مدل بنیشتوانایی بررسی کردند. براساس یافته‌های آنان، تقلب و اقدام‌های جسورانه حسابداری، قبل از افشاء مشکلات مالی انجام می‌شود و مدل بنیشتوانایی شناسایی شرکت‌های متقلب را دارد.

در مطالعه‌ای که توسط شکوری و همکاران (۱۴۰۰) به انجام رسید و هدف آن ارائه یک مدل جامع برای پیش‌بینی، پیشگیری و تشخیص تقلب در گزارشگری مالی با استفاده از اصلاح مدل

¹ Halilbegovic

² Triani

³ Kokic

⁴ Hariri

⁵ Ramírez

بنیاد بود، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که با تعدیل برخی از ضرایب متغیرهای مدل بنیاد می‌توان نتیجه بهتری برای کشف شرکت‌های متقلب به دست آورد.

حاجی محمدلو و حاجیها (۱۳۹۹) معتقدند یکی از عوامل اصلی شکل‌دهی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مدیریت سود، نیت اخلاقی حسابداران می‌باشد. مدیریت سود، دستکاری سود در چارچوب استانداردهای حسابداری و قوانین شرکتی است. رفتار غیراخلاقی، می‌تواند منجر به رفتارهای متفاوتی از سوی مدیران، در مورد مدیریت سود گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد جو اخلاقی دلسوزانه و نظام‌مند، اثر مستقیم و معناداری بر حمایت حسابداران از ضوابط اخلاقی و مسئولیت اجتماعی دارد. از طرفی دیگر، قضاوت‌های اخلاقی حسابداران در خصوص مدیریت سود با نیت و رفتار اخلاقی آنها رابطه معنادار و مثبت دارد. این یافته بسیار حایز اهمیت است، زیرا که می‌توان با ارتقای الگوهای قضاوت اخلاقی در حسابداران، مدیریت سود توسط آنان را کنترل و نیت و رفتار اخلاقی را در آنان بیشتر متبلور نمود.

حسینی معصوم و همکاران (۱۳۹۹) براساس نظریه توسعه پایدار، معتقدند مدیران انگیزه بالایی برای رعایت اصول اخلاقی در عملیات تجاری دارند، هرچند، برخی از رفتارهای غیراخلاقی مدیران در دستکاری سود منجر به شکست اخلاقی در شرکت‌ها می‌شود. بر این اساس، در پژوهشی رابطه عملکرد توسعه پایدار و رفتارهای غیراخلاقی مدیران در دستکاری سود را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند بین عملکرد توسعه پایدار با مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی، رابطه مثبت و معنی‌دار و بین عملکرد توسعه پایدار با مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. براساس نتایج پژوهش، با افزایش عملکرد توسعه پایدار، رفتارهای غیراخلاقی مدیران در دستکاری سود از طریق مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی و اقلام تعهدی کاهش می‌یابند.

آلوج و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی دو متغیر خارج از داده‌های حسابداری، شامل رقابت در بازار محصول و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت را به مدل بنیاد افزودند. پژوهشگران مشاهده کردند، سطح زیر منحنی راک در مدل توسعه یافته بنیاد افزایش یافته است که بیانگر قدرت بیشتر مدل توسعه یافته بنیاد نسبت به مدل اصلی است.

رحیمیان و حاجی حیدری (۱۳۹۸) پژوهشی با هدف کشف تقلب با استفاده از مدل تعدیل‌شده بنیاد و شناسایی نسبت‌های مالی حساس به تقلب انجام دادند. پس از اجرای مدل رگرسیون در سه مرحله، نتایج نشان داد، نسبت فروش به مجموع دارایی‌ها و نسبت حقوق صاحبان سهام به مجموع دارایی‌ها دو نسبت مالی حساس به تقلب هستند و مدل تعدیل‌شده بنیاد، نقش اثربخشی در کشف تقلب صورت‌های مالی دارد.

لطفی و آقایی چادگان (۱۳۹۷) پژوهشی با هدف تشخیص تقلب مالی با استفاده از مدل بنیش انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که مدل بنیش توانایی تشخیص شرکت‌های متقلب در بورس اوراق بهادار تهران را ندارد. با توجه به این واقعیت که کارایی مدل در تشخیص تقلب در صورت‌های مالی غیرقابل انکار است و در بیشتر تحقیقات خارجی توانایی مدل در تشخیص تقلب اثبات شده است، ناتوانی مدل ریشه در عدم کارایی و عدم شفافیت بورس اوراق بهادار تهران دارد.

صابر شعری آناقیز و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی، دقت نتایج حاصل از مدل‌های بنیش و "تعدیل‌شده بنیش" براساس محیط اقتصادی ایران در کشف و افشای گزارشگری مالی متقلبان را مورد بررسی قرار دادند. بعد از انجام پژوهش مشخص شد که مدل تعدیل‌شده بنیش، با دقت بیشتری نشان‌دهنده میزان تقلب صورت گرفته در صورت‌های مالی شرکت‌ها است.

در پژوهش کردستانی و تاتلی (۱۳۹۵) محققین به این نتیجه رسیدند که مدل تعدیل‌شده بنیش نسبت به مدل اولیه بنیش، و مدل تعدیل‌شده اسپاتیس^۱ نسبت به مدل اولیه اسپاتیس، توانایی بیشتری برای شناسایی سطوح دستکاری سود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش برای پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبان، از مدل بنیش (۱۹۹۹) و مدل اسپاتیس (۲۰۰۲) استفاده شده است. بنیش با استفاده از اطلاعات صورت‌های مالی، مدلی را برای تشخیص شرکت‌های متقلب از غیرمتقلب پایه‌گذاری کرد. از آنجائی که دقت این مدل در چند دوره زمانی مختلف آزمون شده است به یک مدل استاندارد تبدیل شده است. اسپاتیس نیز با استفاده از نسبت‌های مالی ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آتن و روش رگرسیون لجستیک، به تجزیه و تحلیل پیش‌بینی تقلب اطلاعات مالی پرداخت و در نهایت ده متغیر مالی را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های بالقوه صورت‌های مالی دارای تقلب معرفی کرد (اسپاتیس، ۲۰۰۲).

گزینش الگوی مناسب برای استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی متناسب با نیازهای آنها و شرایط محیطی، اقتصادی و اجتماعی امری پیچیده است. در این راستا پژوهش حاضر در تلاش است با به‌کارگیری مدل بنیش و اسپاتیس، به پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد تا مشخص شود آیا مدل‌های بنیش و اسپاتیس، توانایی پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبان را در محیط اقتصادی ایران دارد؟ آیا می‌توان با تعدیل ضرایب

^۱ Spathis

مدل بنیش و اسپاتیس، دقت پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبانه را افزایش داد؟ بر این اساس چهار فرضیه تدوین شد:

فرضیه اول: مدل اصلی بنیش (۱۹۹۹)، توانایی پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبانه، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را دارد.

فرضیه دوم: مدل تعدیل شده بنیش، توانایی پیش‌بینی قوی تری نسبت به مدل اصلی بنیش دارد.

فرضیه سوم: مدل اصلی اسپاتیس (۲۰۰۲)، توانایی پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبانه، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را دارد.

فرضیه چهارم: مدل تعدیل شده اسپاتیس، توانایی پیش‌بینی قوی‌تری نسبت به مدل اصلی اسپاتیس دارد.

مدل پژوهش و متغیرهای پژوهش

مدل بنیش (۱۹۹۹)، به شرح زیر است:

بنیش در مدل خود، متغیرهای توضیحی متعلق به هر دو گروه شرکت‌های دستکاری‌کننده و غیردستکاری‌کننده سود را با استفاده از تحلیل پروبیت، به کار گرفت و برای شرکت‌های دستکاری‌کننده عدد یک و برای شرکت‌های غیردستکاری‌کننده عدد صفر، اختصاص داد و ضرایب متغیرهای مستقل را محاسبه نمود. نقطه انقطاع این مدل ۱/۷۸- است. اگر امتیاز محاسبه شده، بیشتر از ۱/۷۸- باشد، به احتمال زیاد شرکت دستکاری‌کننده سود است (کردستانی و تاتلی، ۱۳۹۵).

$$M - Score = -4.84 + 0.92DSRI + 0.528GMI + 0.404AQL + 0.892SGI + 0.115DEPI - 0.172SGAI + 4.679TATA - 0.327LVGI \quad (\text{مدل ۱})$$

که در آن:

M-Score: امتیاز دستکاری سود

DSRI: شاخص روزهای فروش در مطالبات^۱.

GMI: شاخص حاشیه سود ناخالص^۲.

AQI: شاخص کیفیت دارایی^۳.

^۱ Days' Sales in Receivables Index

^۲ Gross Margin Index

^۳ Asset Quality Index

SGI: شاخص رشد فروش^۱.

DEPI: شاخص هزینه استهلاک^۲.

SGAI: شاخص هزینه‌های عمومی، اداری و فروش^۳.

TATA: شاخص مجموع اقلام تعهدی به مجموع دارایی‌ها^۴.

LVGI: شاخص اهرم مالی^۵.

در این مدل، شاخص روزهای فروش در حساب‌های دریافتی یا نسبت مطالبات به فروش (DSRI)، از رابطه (۱) به دست می‌آید:

$$\text{DSRI} = \frac{\text{REC } t / \text{SALES } t}{\text{REC } t-1 / \text{SALES } t-1} \quad \text{رابطه (۱)}$$

افزایش در شاخص مطالبات (REC) به فروش (SALES) می‌تواند ناشی از تغییر در سیاست‌های اعتباری برای افزایش میزان فروش باشد. اما افزایش نامتناسب در مطالبات موجب بیش‌نمایی درآمد نیز می‌شود (بنیش، ۱۹۹۹).

شاخص حاشیه سود ناخالص (GMI)، از رابطه ۲ به دست می‌آید. هنگامی که GMI بزرگتر از یک است، حاشیه ناخالص بسیار تنزل یافته است. ضعیف شدن حاشیه سود ناخالص یک علامت منفی از چشم‌انداز شرکت است و احتمال دستکاری سود را افزایش می‌دهد (بنیش، ۱۹۹۹).

$$\text{GMI} = \frac{\text{SALES}_{t-1} - \text{COG}_{t-1} / \text{SALES}_{t-1}}{\text{SALES}_t - \text{COG}_t / \text{SALES}_t} \quad \text{رابطه (۲)}$$

در این رابطه (SALES) فروش سالانه و (COG)، بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته است. شاخص کیفیت دارایی (AQI)، از رابطه ۳ اندازه‌گیری می‌شود. اگر این شاخص بزرگتر از یک باشد، شرکت به‌طور بالقوه هزینه‌های معوق و دارایی‌های نامشهود را افزایش داده است. بنابراین احتمال

^۴ Sales Growth Index

^۵ Depreciation Index

^۶ Sales, General, and Administrative Expenses Index

^۱ Total Accruals to Total Assets Index

^۵ Leverage Index

دستکاری سود نیز افزایش می‌یابد (بنیث، ۱۹۹۹). در این رابطه (CA)، جمع دارایی جاری و (PPE)، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و (ASSETS)، مجموع دارایی‌ها است.
رابطه ۳)

$$AQI = \frac{1 - (CA_t + PPE_t)/ASSETS_t}{1 - (CA_{t-1} + PPE_{t-1})/ASSETS_{t-1}}$$

شاخص رشد فروش (SGI)، از رابطه ۴ به‌دست می‌آید. رشد فروش به تنهایی نشان‌دهنده دستکاری سود نیست. اما احتمال دستکاری سود با افزایش فروش نسبت به دوره قبل، وجود دارد (بنیث، ۱۹۹۹).

$$SGI = \frac{SALES_t}{SALES_{t-1}} \quad \text{رابطه ۴}$$

شاخص هزینه استهلاک (DEPI)، از رابطه ۵ محاسبه می‌شود. اگر این شاخص بزرگتر از یک باشد، بیانگر آن است که شرکت برآوردهای مربوط به اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات را افزایش داده است. بنابراین احتمال دستکاری سود نیز افزایش می‌یابد (بنیث، ۱۹۹۹). در این رابطه (DEP)، هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت مشهود و (PPE)، ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات است.

$$DEPI = \frac{DEP_{t-1}/PPE_{t-1}}{DEP_t/PPE_t} \quad \text{رابطه ۵}$$

شاخص هزینه‌های عمومی، اداری و فروش (SGAI)، از رابطه ۶ به‌دست می‌آید. بزرگ بودن این شاخص نشانه منفی از چشم‌انداز آتی شرکت است. بنابراین احتمال دستکاری و تقلب در سود وجود دارد (بنیث، ۱۹۹۹). در این رابطه (SGA, EXP)، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش و (SALES)، فروش سالانه است.

$$SGAI = \frac{SGA \ EXP_t/SALES_t}{SGA \ EXP_{t-1}/SALES_{t-1}} \quad \text{رابطه ۶}$$

شاخص مجموع اقلام تعهدی به مجموع دارایی‌ها (TATA)، از رابطه ۷ به‌دست می‌آید. احتمال دستکاری سود با افزایش اقلام تعهدی، همراه است (بنیث، ۱۹۹۹). در این رابطه (ACC)، اقلام تعهدی (تفاوت بین سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی) و (ASSETS)، مجموع دارایی‌های سال جاری را نشان می‌دهد.

رابطه ۷)

$$TATA = \frac{ACC_t}{ASSETS_t}$$

شاخص اهرم مالی (LVGI)، از رابطه ۸ اندازه‌گیری می‌شود. مقدار بزرگتر از یک شاخص اهرم، بیانگر افزایش احتمال دستکاری سود است (بنیش، ۱۹۹۹). در این رابطه (LTD)، جمع بدهی‌های بلندمدت و (CL)، جمع بدهی‌های جاری و (ASSETS)، مجموع دارایی‌ها را نشان می‌دهد.

رابطه ۸)

$$LVGI = \frac{LTD_t + CL_t / ASSETS_t}{LTD_{t-1} + CL_{t-1} / ASSETS_{t-1}}$$

مدل اسپاتیس (۲۰۰۲)

اسپاتیس (۲۰۰۲)، با استفاده از نسبت‌های مالی ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آتن و روش رگرسیون لجستیک، به تجزیه و تحلیل پیش‌بینی تقلب اطلاعات مالی پرداخت. متغیرهای توضیحی مدل اسپاتیس، شامل نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام (D/E)، نسبت فروش به دارایی‌ها (Sales/TA)، نسبت سود خالص به فروش (NP/Sales)، نسبت حساب‌های دریافتی به فروش (REC/Sales)، نسبت سود خالص به دارایی‌ها (NP/TA)، سرمایه درگردش به دارایی‌ها (WC/TA)، نسبت سود ناخالص به دارایی‌ها (GP/TA)، نسبت موجودی‌ها به فروش (INV/Sales)، نسبت بدهی به دارایی (TD/TA) و رتبه ورشکستگی مدل آلتمن (Altman Z-score)، است (آلاریان^۱، ۲۰۱۴) و (اوزوین^۲، ۲۰۲۰). وی دریافت که نسبت موجودی‌ها به فروش، نسبت بدهی به دارایی و رتبه Z مدل آلتمن، توان توضیحی شیوه‌های تقلب اطلاعات مالی را دارند و در نهایت مدل زیر را پیشنهاد داد. دقت طبقه‌بندی این مدل در تفکیک شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب بیش از ۸۴ درصد بود.

$$FFS_{spathis} = 0.23 + 2.659(INV / SAL) + 6.685(TD / TA) - 3.327(Z - Score)$$

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش اطلاعات ۹۹ شرکت تولیدی (۱۰۸۹ شرکت - سال) طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ مطالعه شده است. بعد از تفکیک نمونه به دو دسته متقلب و غیرمتقلب، ابتدا دقت و خطای مدل اولیه بنیش و اسپاتیس بررسی شد. سپس به کمک رگرسیون لجستیک، ضرایب متغیرهای مدل

¹ Alaryan

² Ozevin

اولیه بنییش و اسپاتیسی تعدیل شدند و دقت آنها با مدل اولیه به کمک آزمون‌های ویلکاکسون و مقایسات زوجی مقایسه شد.

به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش، از اطلاعات موجود در نرم‌افزار ره‌آورد نوین و صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با مراجعه به سایت شرکت مدیریت فناوری بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. از آنجایی که سازمان بورس اوراق بهادار تهران فهرستی از شرکت‌های متقلب منتشر نمی‌کند و برخی تحقیقات مرتبط داخلی نیز از اظهارنظر مردود یا عدم اظهارنظر حسابرس برای شناسایی شرکت‌های متقلب، استفاده کرده‌اند، در این پژوهش نیز برای شناسایی شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب، از گزارش غیرمقبول حسابرسی، استفاده شده است. به منظور گزینش شرکت‌های متقلب در صورت‌های مالی، روش فرکاندوست حقیقی و برواری (۱۳۸۸)، مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش فرض گردیده است که شرکت‌هایی که گزارش‌های حسابرسی آنها مردود، عدم اظهارنظر یا مشروط بوده اند دارای احتمال بیشتری به ارتکاب تقلب نسبت به شرکت‌هایی می‌باشند که گزارش حسابرسی مقبول دارند. بنابراین در ابتدا شرکت‌هایی که گزارش حسابرسی آنها مردود، عدم اظهارنظر یا مشروط بوده شناسایی می‌شود. سپس از بین موارد شناسایی شده، شرکت‌هایی که در گزارش حسابرسی آنها یکی از مصادیق تقلب ذیل علت نوع اظهار نظرشان ذکر گردیدند، با احراز یکی از مصادیق، به‌عنوان شرکت متقلب شناسایی می‌شوند. پنج مصداق اول بر مبنای پژوهش‌های ماهر و همکاران (۲۰۰۷)، فرکاندوست حقیقی و برواری (۱۳۸۸)، و کیلی فرد و همکاران (۱۳۸۸) و حسینی (۱۳۹۰)، فرکاندوست حقیقی و همکاران (۱۳۹۳)، انتخاب گردیدند که عبارتند از:

۱) شناسایی نادرست درآمدها و اندازه‌گیری نادرست درآمدهای تحقق یافته (۲) بیش‌نمایی در دارایی‌ها و موجودی‌های پایان‌دوره، ۳) شناسایی نادرست هزینه‌ها و عدم اندازه‌گیری هزینه‌های محقق شده (۴) کم‌نمایی در بدهی‌ها و استفاده نادرست و متقلبانانه از حساب‌های ذخیره (۵) عدم تهیه صورت‌های مالی با فرض توقف فعالیت شرکت‌هایی که فرض تداوم فعالیت آنها به شکل اساسی زیر سؤال رفته و در گزارش‌های حسابرسی بازتاب یافته،

همچنین ششمین مصداق بر اساس بخش ۲۴ استانداردهای حسابرسی ایران عبارت است از: ۶) به‌کارگیری نادرست یا عدم رعایت رویدها، برآوردها و استانداردهای پذیرفته‌شده حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه با افشا ارقام با اهمیت صورت‌های مالی (کمیت‌ه تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۱)

پس از این که شرکت - سال‌های متقلب بر اساس مصادیق ذکر شده مشخص شد، بقیه شرکت - سال‌ها به‌عنوان شرکت - سال‌های غیرمتقلب شناسایی شدند.

آمار توصیفی

در این بخش با استفاده از ابزارهای آمار توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، به توصیف داده‌های تحقیق پرداخته شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار
شاخص مطالبات به فروش (DSRI)	۱۸/۸۸۸	۱/۰۴۲	۱/۰۸۱	نسبت فروش به دارایی‌ها (Sales/TA)	۰/۸۷۷	۰/۷۷۴	۰/۵۵۲
شاخص حاشیه سود ناخالص (GMI)	۱/۱۴۸	۱/۰۰۱	۱/۷۳۱	نسبت سود خالص به فروش (NP/Sales)	۰/۱۱۶	۰/۱۱۲	۰/۳۷۸
شاخص کیفیت دارایی (AQI)	۱/۴۸۰	۰/۹۵۲	۱/۶۲۰	نسبت حساب‌های دریافتی به فروش (REC/Sales)	۰/۳۸۵	۰/۲۸۸	۰/۳۵۷
شاخص رشد فروش (SGI)	۱/۱۸۱	۱/۱۴۷	۰/۴۲۴	نسبت سود خالص به دارایی‌ها (NP/TA)	۰/۱۰۰	۰/۰۹۰	۰/۱۵۴
شاخص هزینه استهلاک (DEPI)	۲/۴۳۳	۰/۹۵۴	۲/۸۶۹	سرمایه در گردش به دارایی‌ها (WC/TA)	۰/۱۰۸	۰/۱۳۶	۰/۲۵۹
شاخص هزینه‌های عمومی، اداری و فروش (SGAI)	۱/۱۲۵	۱/۱۱۲	۰/۶۲۲	نسبت سود ناخالص به دارایی‌ها (GP/TA)	۰/۲۰۴	۰/۱۸۴	۰/۱۳۶
شاخص اقلام تعهدی به	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۶۳۲	نسبت موجودی‌ها به	۰/۳۴۵	۰/۲۹۰	۰/۲۴۸

			فروش (INV/Sales)				دارایی‌ها (TATA)
۰/۲۵۷	۰/۶۳۹	۰/۶۴۵	نسبت بدهی به دارایی (TD/TA)	۰/۳۳۳	۱/۰۱۱	۱/۰۲۵	شاخص اهرم مالی (LVGI)
۱/۶۲۰	۱/۷۷۲	۲/۰۴۴	رتبه ورشکستگی آلتمن (Z- score)	۰/۰۰۱	۱/۲۹۶	۱/۳۶۹	نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام (D/E)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول بیان می‌کند که با استفاده از مدل بنیش (۱۹۹۹)، می‌توان گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را پیش‌بینی کرد.

برای آزمون فرضیه اول، دقت و خطای مدل اصلی بنیش (۱۹۹۹)، در دو گروه شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب بررسی شد. همان‌طور که در جدول ۲، مشاهده می‌شود، پیش‌بینی درست مدل در گروه متقلب ۳۳ درصد و در گروه غیرمتقلب ۶۰ درصد است. به علاوه پیش‌بینی نادرست مدل اصلی بنیش در گروه متقلب ۶۷ درصد و در گروه غیرمتقلب ۴۰ درصد است. همچنین دقت و خطای کلی مدل اصلی بنیش به ترتیب ۴۷ و ۵۳ درصد برآورد شد. بنابراین فرضیه اول تأیید نمی‌شود.

جدول ۲. نتایج بررسی مدل اصلی بنیش (فرضیه اول)

$M - Score = -4.84 + 0.92DSRI + 0.528GMI + 0.404AQL + 0.892SGI + 0.115DEPI - 0.172SGAI + 4.679TATA - 0.327LVGI$					
مدل اصلی بنیش (۱۹۹۹)					
پیش‌بینی نادرست	پیش‌بینی درست			مشاهده	گروه
		خطا	دقت		

شرکت‌های متقلب	*۴۵۴	۱۴۸	۳۰۶	٪۳۳	٪۶۷
شرکت‌های غیرمتقلب	**۴۵۳	۲۷۵	۱۷۸	٪۶۰	٪۴۰
دقت کلی مدل	$٪۴۷ = \frac{۲۷۵+۱۴۸}{۹۰۷} \times ۱۰۰$				
خطای کلی مدل	$٪۵۳ = \frac{۱۷۸+۳۰۶}{۹۰۷} \times ۱۰۰$				
دقت کل = (دقت متقلب + دقت غیرمتقلب) / (تعداد متقلب + تعداد غیرمتقلب) × ۱۰۰					
خطای کل = (خطای متقلب + خطای غیرمتقلب) / (تعداد متقلب + تعداد غیرمتقلب) × ۱۰۰					

منبع: یافته‌های پژوهشگر

*۴۹۶ مشاهده به‌عنوان شرکت‌های متقلب شناسایی شد. برای ۴۲ مشاهده داده‌های مورد نیاز مدل بنیث را نداشتیم، بنابراین از محاسبات کنار گذاشته شدند. (۴۵۴ = ۴۲ - ۴۹۶)

**۴۹۴ مشاهده به‌عنوان شرکت‌های غیرمتقلب شناسایی شد. برای ۴۱ مشاهده داده‌های مورد نیاز مدل بنیث را نداشتیم، بنابراین از محاسبات کنار گذاشته شدند. (۴۵۳ = ۴۱ - ۴۹۴)

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: توانایی مدل تعدیل شده بنیث در پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبان، بیشتر از مدل اصلی بنیث (۱۹۹۹) است. جهت تعریف مدل تعدیل‌شده بنیث، ضرایب مدل اصلی بنیث (۱۹۹۹)، با استفاده از رگرسیون لجستیک مورد تعدیل قرار گرفت. در جدول ۳، همانطور که قابل مشاهده است، آماره LR به‌دست آمده و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، بنابراین مدل لاجیت برآورد شده معتبر است. در جدول ۴ مشاهده می‌شود که پیش‌بینی درست مدل در گروه متقلب ۷۳/۴۳ درصد و در گروه غیرمتقلب ۸۱ درصد است. به علاوه پیش‌بینی نادرست مدل تعدیل شده بنیث در گروه متقلب ۲۶/۵۷ درصد و در گروه غیرمتقلب ۱۹ درصد است. همچنین دقت و خطای کلی مدل تعدیل شده بنیث به ترتیب ۷۷/۳۲ و ۲۲/۶۸ درصد برآورد شد.

جدول ۳. نتایج برآورد ضرایب مدل تعدیل شده بنیث (فرضیه دوم)

متغیر وابسته: متقلب و غیرمتقلب			متغیرها
سطح خطا	آماره Z	ضریب	
۰/۰۲۰	۲/۶۰۷	۰/۲۳۵	عرض از مبدا
۰/۰۲۷	۲/۲۱۴	۰/۰۰۱	شاخص مطالبات به فروش (DSRI)
۰/۰۵۳	-۱/۹۳۶	-۰/۰۲۴	شاخص حاشیه سود ناخالص (GMI)

۰/۳۱۹	-۰/۹۹۶	-۰/۰۱۱	شاخص کیفیت دارایی (AQI)
۰/۳۲۳	-۰/۹۸۸	-۰/۱۷۲	شاخص رشد فروش (SGI)
۰/۱۱۳	-۱/۵۸۳	-۰/۰۰۲	شاخص هزینه استهلاک (DEPI)
۰/۵۴۰	۰/۶۱۳	۰/۰۶۵	شاخص هزینه‌های عمومی، اداری و فروش
۰/۶۳۳	۰/۴۴۷	۰/۰۵۲	شاخص اقلام تعهدی به دارایی‌ها (TATA)
۰/۶۵۵	-۰/۴۴۶	-۰/۱۰۳	شاخص اهرم مالی (LVGI)
۰/۱۶۲			ضریب مک فادن
۲۸۰/۳۶۵			آماره LR
۰/۰۰۰			سطح اهمیت

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۴. نتایج بررسی مدل تعدیل‌شده بنیش (فرضیه دوم)

$Adjusted - M - Score - Beneish = 0.235 + 0.001(DSRI) - 0.024(GMI) - 0.011(AQI) - 0.172(SGI) - 0.002(DEPI) + 0.065(SGAI) + 0.052(TATA) - 0.103(LVGI)$					
پیش‌بینی نادرست	پیش‌بینی درست			مشاهده	گروه
		خطا	دقت		
۲۶/۵۷٪	۷۳/۴۳٪	۱۲۷	۳۵۱	۴۷۸	شرکت‌های متقلب
۱۹٪	۸۱٪	۹۵	۴۰۶	۵۰۱	شرکت‌های غیرمتقلب
$\frac{(351+406)/979 \times 100}{(127+95)/979 \times 100} = \frac{77}{22} = 3.5$					دقت کلی مدل
$\frac{(127+95)/979 \times 100}{(351+406)/979 \times 100} = \frac{22}{77} = 0.286$					خطای کلی مدل
$دقت\ کل = (دقت\ متقلب + دقت\ غیرمتقلب) / (تعداد\ متقلب + تعداد\ غیرمتقلب) \times 100$					
$خطای\ کل = (خطای\ متقلب + خطای\ غیرمتقلب) / (تعداد\ متقلب + تعداد\ غیرمتقلب) \times 100$					

منبع: یافته‌های پژوهشگر

برای بررسی تفاوت معنادار در دقت پیش‌بینی مدل اولیه بنیش و مدل تعدیل‌شده بنیش، از آزمون ویلکاکسون و برای انتخاب بهترین مدل پیش‌بینی، آزمون مقایسه زوج‌ها اجرا شد. با توجه به جدول ۵، سطح اهمیت آماره Z ویلکاکسون و آزمون مقایسه زوج‌ها، کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین

بین دقت پیش‌بینی مدل اولیه و تعدیل‌شده بنیشتفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که کارایی مدل تعدیل‌شده بیشتر است. بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون مقایسه‌ی مدل‌ها

آزمون مقایسه زوج‌ها			آزمون ویلکاکسون		مدل‌ها
sig	آماره t	میانگین رتبه	sig	آماره Z	
۰/۰۱۸	۶/۱۷۹	۷۲/۹	۰/۰۰۰	۱۲/۸۶۱	مدل اصلی بنیشت
		۹۲/۶			مدل تعدیل‌شده بنیشت

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم بیان می‌کند که با استفاده از مدل اسپاتیس (۲۰۰۲)، می‌توان گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را پیش‌بینی کرد. برای آزمون فرضیه سوم، دقت و خطای مدل اصلی اسپاتیس (۲۰۰۲)، در دو گروه شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب بررسی شد. همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، پیش‌بینی نادرست مدل در گروه متقلب ۵۶ درصد و در گروه غیرمتقلب ۴۴ درصد است. به علاوه پیش‌بینی نادرست مدل اصلی اسپاتیس در گروه متقلب ۴۴ درصد و در گروه غیرمتقلب ۳۰ درصد است. همچنین دقت و خطای کلی مدل اصلی اسپاتیس به ترتیب ۶۳ و ۳۷ درصد برآورد شد. بنابراین فرضیه سوم تأیید نمی‌شود.

$$FFS_{spathis} = 0.23 + 2.659(INV / SAL) + 6.685(TD / TA) - 3.327(Z - Score)$$

پیش‌بینی نادرست	پیش‌بینی درست			مشاهده	گروه
		خطا	دقت		
٪۴۴	٪۵۶	۲۱۴	۲۷۱	۴۸۵	شرکت‌های متقلب
٪۳۰	٪۷۰	۱۴۸	۳۴۶	۴۹۴	شرکت‌های

غیرمتقلب	
دقت کلی مدل	$\%63 = (271+346)/979 \times 100$
خطای کلی مدل	$\%37 = (214+148)/979 \times 100$
دقت کل = (دقت متقلب + دقت غیرمتقلب) / (تعداد متقلب + تعداد غیرمتقلب) $\times 100$	
خطای کل = (خطای متقلب + خطای غیرمتقلب) / (تعداد متقلب + تعداد غیرمتقلب) $\times 100$	

جدول ۶. نتایج بررسی مدل اصلی اسپاتیس (فرضیه سوم)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه چهارم

فرضیه چهارم: توانایی مدل تعدیل شده اسپاتیس در پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبان، بیشتر از مدل اصلی اسپاتیس (۲۰۰۲)، است. جهت تعریف مدل تعدیل شده اسپاتیس، ضرایب مدل اصلی اسپاتیس (۲۰۰۲)، با استفاده از رگرسیون لجستیک مورد تعدیل قرار گرفت. در جدول ۷، همان‌طور که قابل مشاهده است، آماره LR به دست آمده و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، بنابراین مدل لاجیت برآورد شده معتبر است. در جدول ۸، مشاهده می‌شود پیش‌بینی درست مدل در گروه متقلب ۸۱/۹۹ درصد و در گروه غیرمتقلب ۸۲/۰۷ درصد است. به علاوه پیش‌بینی نادرست مدل تعدیل شده اسپاتیس در گروه متقلب ۱۸/۰۱ درصد و در گروه غیرمتقلب ۱۷/۹۳ درصد است. همچنین دقت و خطای کلی مدل تعدیل شده اسپاتیس به ترتیب ۸۲/۰۳ و ۱۷/۹۷ درصد برآورد شد.

جدول ۷. نتایج برآورد ضرایب مدل تعدیل شده اسپاتیس (فرضیه چهارم)

متغیر وابسته: متقلب و غیرمتقلب			متغیرها
ضریب	آماره Z	سطح خطا	
-۰/۱۲۸	-۰/۳۰۲	۰/۷۶۲	عرض از مبدا
۰/۰۰۲	۰/۰۰۸	۰/۹۹۴	نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام (D/E)
-۰/۰۲۴	-۰/۱۵۴	۰/۸۷۷	نسبت فروش به دارایی‌ها (Sales/TA)
۰/۱۰۵	۰/۳۳۶	۰/۷۳۶	نسبت سود خالص به فروش (NP/Sales)
-۰/۰۶۹	-۰/۲۹۶	۰/۷۶۷	نسبت حساب‌های دریافتی به فروش (REC/Sales)

نسبت سود خالص به دارایی‌ها (NP/TA)	۳/۶۶۶	۲/۷۲۹	۰/۰۰۶
سرمایه درگردش به دارایی‌ها (WC/TA)	۰/۸۳۹	۱/۷۸۹	۰/۰۷۳
نسبت سود ناخالص به دارایی‌ها (GP/TA)	-۴/۵۰۱	-۳/۹۵۹	۰/۰۰۰
نسبت موجودی‌ها به فروش (INV/Sales)	۰/۰۰۲	۰/۰۰۶	۰/۹۹۵
نسبت بدهی به دارایی (TD/TA)	۱/۳۵۳	۲/۴۰۳	۰/۰۱۶
رتبه ورشکستگی آلتمن (Z-score)	۰/۰۶۸	۱/۵۹۶	۰/۱۱۰
ضریب مک فادن	۰/۰۸۴		
آماره LR	۱۱۴/۰۷۵		
سطح اهمیت	۰/۰۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهش

برای بررسی تفاوت معنادار در دقت پیش‌بینی مدل اولیه اسپاتیس و مدل تعدیل‌شده اسپاتیس، از آزمون ویلکاکسون و برای انتخاب بهترین مدل پیش‌بینی، آزمون مقایسه زوج‌ها اجرا شد. با توجه به جدول ۹ سطح اهمیت آماره Z ویلکاکسون و آزمون مقایسه زوج‌ها، کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین بین دقت پیش‌بینی مدل اولیه و تعدیل‌شده اسپاتیس تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که کارایی مدل تعدیل‌شده بیشتر است. بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌شود.

جدول ۹. نتایج آزمون مقایسه‌ی مدل‌ها

آزمون مقایسه زوج‌ها			آزمون ویلکاکسون		مدل‌ها
sig	آماره t	میانگین رتبه	sig	آماره Z	
۰/۰۱۴	۶/۴۱۱	۸۰/۶	۰/۰۰۰	۱۰/۹۷۱	مدل اسپاتیس
		۸۹/۴			مدل تعدیل‌شده اسپاتیس

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتیجه‌گیری

سازمان‌ها و شرکت‌ها برای انجام وظایف با بیشترین کارایی و اثربخشی و در نتیجه تحقق اهداف و مأموریت‌ها، علاوه بر رعایت استانداردها و قواعد سازمانی و قانونی، نیاز به مجموعه‌ای از رهنمودهای اخلاقی دارند که آنها را در این امر یاری کرده با ایجاد هماهنگی و ثبات رویه حرکت آنها را به

سمت وضعیت مطلوب تسهیل سازد. قضاوت‌های حسابداران، تحت تأثیر نیت و رفتار آنان است. هرچقدر که در این قضاوت‌ها به اخلاقیات توجه بیشتری شود، دستکاری سود و تقلب کمتر خواهد بود. پیش‌بینی تقلب یکی از راه‌هایی است که با استفاده از آن می‌توان از فرصت‌های سرمایه‌گذاری به‌صورت مناسب بهره‌برداری و از هدر رفتن منابع و ضررهای هنگفت برای اقتصاد و سهامداران، جلوگیری نمود و سرمایه‌گذاران می‌توانند فرصت‌های مطلوب سرمایه‌گذاری را از فرصت‌های نامطلوب تشخیص دهند. با توجه به اینکه، خیلی از تقلب‌های مالی کشف نمی‌شوند و یا به‌دلایلی افشا نمی‌شوند و در ایران برخلاف کشورهای پیشرفته که سازمانی جهت کشف تقلب مالی دارند، هیچ نهاد و سازمانی اطلاعات مستندی درخصوص تقلب منتشر نمی‌کند؛ بنابراین پیش‌بینی و کشف تقلب صورت‌های مالی می‌تواند خیلی به مدیران، حساب‌برسان، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و به‌طور کلی اقتصاد کمک نماید.

در این پژوهش تلاش شد تا به کمک مدل بنیث و اسپاتیس شرکت‌های متقلب را از شرکت‌های غیرمتقلب تفکیک نمود. یافته‌ها نشان داد خطای مدل اولیه بنیث و اسپاتیس زیاد است. با توجه به اینکه ضرایب این مدل‌ها براساس داده‌های محیط اقتصادی متفاوت محاسبه شده است، سعی شد ضرایب این دو مدل براساس اطلاعات محیط کشور تعدیل شود. مدل‌های تعدیل‌شده، توانایی بهتری در تفکیک شرکت‌های متقلب از شرکت‌های غیرمتقلب داشتند. دقت مدل اولیه بنیث در تفکیک ۴۷٪ بود، درحالی‌که دقت مدل تعدیل‌شده بنیث ۷۷٪ گردید و دقت مدل اولیه اسپاتیس در تفکیک ۶۳٪ بود، درحالی‌که دقت مدل تعدیل‌شده اسپاتیس ۸۲٪ گردید، بنابراین قبل از به‌کارگیری مدل‌های پیش‌بینی اولیه که در محیط اقتصادی دیگری تدوین شده است، باید ابتدا مدل بر اساس داده‌های بومی تعدیل شده و سپس به کار گرفته شود. نتایج بیان‌کننده آن است که اطلاعات حسابداری برای کشف و پی‌بینی گزارشگری مالی متقلبان مفید است. نتایج این پژوهش با یافته‌های کردستانی و تاتلی (۱۳۹۵)، شعری آناقیز و همکاران (۱۳۹۶)، لطفی و آقایی چادگانی (۱۳۹۷)، رحیمیان و حاجی حیدری (۱۳۹۸)، آلوج و همکاران (۱۳۹۸)، رحیمیان و حاجی حیدری (۱۳۹۸)، شکوری و همکاران (۱۴۰۰)، تریانی (۲۰۱۹)، سوابو و همکاران (۲۰۲۰)، مطابقت دارد و با نتایج پژوهش حریری و همکاران (۲۰۱۷)، کونیک و همکاران (۲۰۱۸)، لهنچوک و همکاران (۲۰۲۰)، کوکی (۲۰۲۱)، اوهدی‌وآ و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت ندارد. با توجه به این واقعیت که کارایی مدل اولیه در تشخیص تقلب در صورت‌های مالی غیرقابل انکار است و در بیشتر تحقیقات خارجی توانایی مدل در تشخیص تقلب اثبات شده است، ناتوانی مدل اولیه بنیث و اسپاتیس، ریشه در عدم کارایی و عدم شفافیت بورس اوراق بهادار تهران دارد. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد‌های زیر مطرح می‌شوند:

- در این پژوهش مشاهده گردید مدل‌های تعدیل‌شده بنیشت و اسپاتیست توانایی کشف تقلب در گزارشگری مالی را دارند، بنابراین مدیران، سرمایه‌گذاران، سهامداران و سایر مقامات مالی می‌توانند با استفاده از این دو مدل، شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب را به منظور اخذ تصمیمات اقتصادی خود تشخیص داده و از زیان حاصل از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های متقلب جلوگیری کنند.
- به استفاده کنندگان از صورت‌های مالی، پیشنهاد می‌شود که برای کشف دستکاری سود و تقلب مدیریت، در کنار توجه به متغیرهای حسابداری و اقلام صورت‌های مالی، به متغیرهای غیرحسابداری، انگیزشی، محیطی و میزان پایبندی مدیریت به اخلاقیات نیز توجه کافی داشته باشند.
- به بازرسان شرکت‌ها توصیه می‌شود یک سیستم افشاگری برای شرکت در نظر گیرند تا هر شخصی که می‌خواهد اقدامات مشکوک را گزارش دهد، بتواند این کار را انجام دهد.
- به پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات آتی برای تفکیک شرکت‌های متقلب و غیرمتقلب از مدل‌ها و تکنیک‌های دیگر، از جمله مدل رکس‌اس استفاده نمایند.

محدودیت‌های پژوهش

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، این بود که در ایران سازمان و یا نهاد خاصی وجود ندارد تا شرکت‌های متقلب و دستکاری‌کننده سود را شناسایی و معرفی نماید. همچنین ممکن است که بندهای شرط حاوی دستکاری سود به دلایل مختلف، از جمله رسیدگی نمونه‌ای در گزارش حسابرسی افشا نشود.

منابع

۱. ابدالی لرکی، حدیث (۱۳۹۵). "جایگاه اخلاق در حسابداری و حسابرسی"، کنفرانس بین‌المللی ایده‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، صص ۱۰۷-۹۳.
۲. ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی نسب، علی و کریمی، اسحاق (۱۳۹۷). "ارتباطات سیاسی، کیفیت حسابرسی، بحران مالی، هزینه‌های نمایندگی"، دانش حسابرسی، شماره ۷۳، صص ۱۰۲-۷۹.
۳. عسگری آلوج، حسین؛ نیکبخت، محمدرضا؛ کرمی، غلامرضا و مؤمنی، منصور (۱۳۹۸). "توسعه مدل بنییش با ترکیب شبکه‌های عصبی مصنوعی و الگوریتم بهینه‌سازی حرکت تجمعی ذرات برای پیش‌بینی دستکاری سود"، بررسی‌های حسابداری حسابرسی، دوره ۲۶، شماره ۴، صص ۶۱۵-۶۳۸.
۴. بهمنش، سعید؛ حجازی، رضوان و جعفری، سیده محبوبه (۱۳۹۹). "ارزیابی رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی مدیریت سود مبتنی بر تحلیل حوزه دانش و الگوی تحلیل شبکه فازی"، فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۳، صص ۱۳۱-۱۲۳.
۵. حاتم‌زاده، مجید (۱۳۹۷). "تشخیص تقلب در صورت‌های مالی با استفاده از مدل دیچو"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسفراین.
۶. حاجی محمدلو، بهاره و حاجیها، زهره (۱۳۹۹). "ارتباط بین جو اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مدیریت سود"، فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۰۰.
۷. حجازی، رضوان؛ صداقت پرست، الدارو همتی، علیرضا (۱۳۹۹). "تأثیر پیچیدگی اطلاعات بر شکست حسابرسی در تقلب شرکت‌های (بورس اوراق بهادار تهران)"، پژوهش‌های حسابرسی، شماره ۱، صص ۵۰-۳۱.
۸. حسینی معصوم، محمدرضا؛ گرکز، منصور؛ سعیدی، پرویز و معطوفی، علیرضا (۱۳۹۹). "تحلیل رابطه عملکرد توسعه پایدار و رفتارهای غیراخلاقی مدیران در دستکاری سود"، فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۳۲.
۹. رحیمیان، نظام‌الدین و حاجی حیدری، راضیه (۱۳۹۸). "کشف تقلب با استفاده از مدل تعدیل‌شده بنییش و نسبت‌های مالی"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۳۱، صص ۴۷-۶۹.
۱۰. شعری آناقیز، صابر و خراسانی، ابوطالب (۱۳۹۶). "واکاوی مفهوم تقلب و بررسی آثار به‌کارگیری استانداردهای حسابرسی در افشای اطلاعات گزارشگری مالی متقلبانه"، اولین

- همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه تهران، صص ۱۸-۱.
۱۱. شعری آناقیز، صابر؛ رحیمیان، نظام‌الدین؛ صالحی صدقیانی، جمشید و خراسانی، ابوطالب (۱۳۹۶). "بررسی و تطبیق میزان دقت نتایج حاصل از مدل‌های بنیشت و تعدیل‌شده بنیشت براساس محیط اقتصادی ایران در کشف و افشای گزارشگری مالی متقلبانه"، چشم‌انداز مدیریت مالی، شماره ۱۸، صص ۱۲۳-۱۰۵.
۱۲. شکوری، محمد مهدی؛ طاهرآبادی، علی اصغر؛ غنبری، مهرداد و جمشیدی نوید، بابک (۱۴۰۰). "مدل بنیشت و ارایه مدل جامع گزارشگری مالی متقلبانه"، مجله تجزیه و تحلیل برنامه‌های غیرخطی، شماره ۱۲، صص ۴۸-۳۹.
۱۳. فرقان‌دوست حقیقی، کامبیز و برواری، فرید (۱۳۸۸). "بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف"، دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۱۶، صص ۲۴-۱۸.
۱۴. فرقان‌دوست حقیقی، کامبیز؛ هاشمی، سیدعباس و فروغی دهکردی، امین (۱۳۹۳). "مطالعه رابطه مدیریت سود و امکان تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری، شماره ۵۶، صص ۶۸-۴۷.
۱۵. کردستانی، غلامرضا و تاتلی، رشید (۱۳۹۵). "پیش‌بینی دستکاری سود: توسعه یک مدل"، بررسی‌های حسابداری و حسابداری، شماره ۱، صص ۹۶-۷۳.
۱۶. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۸). استانداردهای حسابداری تقلب، شماره ۲۴۰ و ۴۵۰، تهران: انتشارات سازمان حسابداری، چاپ سوم.
۱۷. لطفی، نسرین و آقایی چادگانی، آرزو (۱۳۹۷). "کشف تقلب مالی شرکت با استفاده از مدل ام-اسکور بنیشت"، مجله بین‌المللی مالی و حسابداری مدیریت، شماره ۲، صص ۳۴-۲۹.
۱۸. مباشر، طاهره و صالحی، مهرداد (۱۳۹۹). "رابطه هوش هیجانی، فضاهای اخلاقی و ارزش‌های اخلاقی شرکت‌ها با قضاوت اخلاقی حسابرسان"، فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۲، سال ۱۵، جلد ۱۵، صص ۱۱۴-۱۰۸.
۱۹. وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ احمدی، سلطان و اکبرپور، رضا (۱۳۸۸). "بررسی ویژگی‌های تقلب در صورت‌های مالی"، ماهنامه حسابداری، شماره ۲۴، صص ۴۱-۳۶.

20. Alaryan, L. A., Haija, A. A. A., & Alrabei, A. M. (2014). The relationship between fair value accounting and presence of manipulation in financial statements. *International Journal of Accounting and Financial Reporting*, 4(1), 221.
21. Ansah, S., Moyes, G. D., Oyelere, P. B., & Hay, D. (2002). An empirical analysis of the likelihood of detecting fraud in New Zealand. *Managerial Auditing Journal*. 17(4), 192-204.
22. Aqilah, N., Mohammed, N. F., & Kamaluddin, A. (2021). Application of Beneish M-Score Model In Detecting Probable Earnings Manipulation In Malaysian Public Listed Companies. *Integrated Journal of Business and Economics*, 5(1), 86-100.
23. Bedard, J. C., & Graham, L. (2011). Detection and severity classifications of Sarbanes-Oxley Section 404 internal control deficiencies. *The Accounting Review*, 86(3), 825-855.
24. Belgasem-Hussain, A. A., & Hussaien, Y. I. (2020). Earnings management as an ethical issue in view of Kohlberg's theory of moral reasoning. *Journal of Financial Crime*, 1-14.
25. Beneish, M. D. (1999). The Detection of Earnings Manipulation, *Financial Analysts Journal*, 55 (5): 24-36.
26. Ching-Ching, y. Der Jang, Ch., & Min g, Fu, H. a hybrid approach of DEA rough, set and support vector machines for business failure prediction. *Expert System with Application*, 2019: 37(2), 1535- 1541.
27. Coca, T. C., Marian, S., Veronica, G., & Dan-Andrei, C. (2021). Fiscal and Accounting Fraud Risk Detection Using Beneish Model. A Romanian Case Study. *International Journal of Business and Society*, 22(1), 296-312.
28. El-Bannany, M., Dehghan, A. H., & Khedr, A. M. (2021). Prediction of Financial Statement Fraud using Machine Learning Techniques in UAE. In *2021 18th International Multi-Conference on Systems, Signals & Devices*, 649-654.
29. Halilbegovic, S., Celebic, N., Cero, E., Buljubasic, E., & Mekic, A. (2020). Application of Beneish M-score model on small and medium enterprises in Federation of Bosnia and Herzegovina. *Eastern Journal of European Studies*, 11(1).
30. Hamal, S., & Senvar, O. (2021). Comparing performances and effectiveness of machine learning classifiers in detecting financial accounting fraud for Turkish SMEs. *International Journal of Computational Intelligence Systems*, 14(1), 769-782.

31. Hariri, H., Pradana, A. W. S., & Widjajanti, S. L. (2017). Predicting Financial Statements Corporate Fraud: Beneish M-score Model. *JEMA: Jurnal Ilmiah Bidang Akuntansi dan Manajemen*, 14(2), 92-100.
32. Kocic, T., Gligoric, M., & Knezevic, G. (2018). Use of Beneish Model on Serbian Super League Football Clubs. *FINIZ 2018-The Role of Financial and Non-Financial Reporting in Responsible Business Operation*, 118-122.
33. Kweki, I. (2021). BOARD COMPOSITION AND FINANCIAL STATEMENTS FRAUD. *Quarterly Journal of Contemporary Research*, 9(2), 1-12.
34. Lehenchuk, S., Mostenska, T., Tarasiuk, H., Polishchuk, I., & Gorodysky, M. (2020, November). Financial Statement Fraud Detection of Ukrainian Corporations on the Basis of Beneish Model. In *International Conference on Business and Technology* (pp. 1341-1356). Springer, Cham.
35. Ohidoa, T. & Evelyn, O. (2021). Corporate Governance and Financial Statement Fraud in Listed Firms in Nigeria. *Kaduna Journal of Business and Management Sciences (KJBMS)*, 1(2), 10-18.
36. Ozevin, O. (2020). A Model Recommendation On Determination of Manipulation Risk In Financial Statements: BIST Application. *Journal of Accounting & Finance*, (87).
37. Rad, M., Amiri, A., Ranjbar, M. H., & Salari, H. (2021). Predictability of financial statements fraud-risk using Benford's Law. *Cogent Economics & Finance*, 9(1), 1889756.
38. Ramírez Orellana, A., Martínez Romero, M. J. & Mariño Garrido, T. (2017). Measuring fraud and earnings management by a case of study: Evidence from an international family business. *European Journal of Family Business*, 7(1-2), 41-53.
39. Spathis, C. T. (2002). Detecting false financial statements using published data: some evidence from Greece. *Managerial Auditing Journal*.
40. Svabova, L., Kramarova, K., Chutka, J., & Strakova, L. (2020). Detecting earnings manipulation and fraudulent financial reporting in Slovakia. *Oeconomia Copernicana*, 11(3), 485-508.
41. Triani, N. (2019). Fraudulent Financial Reporting Detection Using Beneish M-Score Model in Public Companies in 2012-2016. *Asia Pacific Fraud Journal*, 4(1), 27-42.
42. Valaskova, K., & Fedorko, R. (2021). Beneish M-score: A measure of fraudulent financial transactions in global environment? In *SHS Web of Conferences* (Vol. 92, p. 02064). EDP Sciences.

